همشهری ناتماشاگر
دوشنبه ۸ دی ۱۴۰۴ ■ ۸ رجب ۱۴۴۷ ■ سال سی‌وچهارم ■ شماره ۹۵۷۶

عکس | مسعود اکبری

خنده خشکید!

یک نمایش ضعیف و شکست برابر گل گهر به‌سرعت شیرینی صعود آسیایی را در کام استقلالی‌ها تلخ کرد

FIFA

164

روز مانده تا جام جهانی

پخش زنده

جام ملت‌های آفریقا

آنگولا	19:30
مصر	
زیمبابوه	19:30
آفریقای جنوبی	
کومور	22:30
مالی	
زامبیا	22:30
مراکش	

سری آ ایتالیا

آاس رم	23:15
جنوا	

برنامه بازی

لیگ برتر ایران - هفته ۷

سه‌شنبه ۹ دی ۱۴۰۴

تراکتور	16:30
ملوان	

لیگ برتر انگلیس

سه‌شنبه ۹ دی ۱۴۰۴

برنلی	23:00
نیوکسل	
چلسی	23:00
بورنموث	
ناتینگهام فارست	23:00
اورتون	
وستهم	23:00
برایتون	
آرسنال	23:45
استون‌ویلا	
منچستریونایتد	23:45
ولوز	

تیتر یک

تراژدی آبی

زمستان برای هواداران استقلال با نسیم خنک پیروزی در آسیا و صعود به مرحله‌حذفی آغاز شده بود؛ شبی که ستاره‌های آبی در قاره کهن درخشیدند و همه فکر می‌کردند آن غول خفته سرانجام بیدار شده است. اما فوتبال، پیرمرد بی‌رحمی است که خیلی زود یادآوری می‌کند فاصله عرش تا فرش، فقط ۹۰ دقیقه است. غروب دیروز در تهران، استقلال نه به تاکتیک‌های حریف، بلکه به خاطرات خودش باخت. داستان بازی از جایی شروع شد که پوریا شهرآبادی، جوان ۱۹ ساله‌ای که روزی در آکادمی استقلال رویای پوشیدن پیراهن شماره ۱۰ تیم بزرگسالان را در سر داشت، مقابل تیم سابقش ایستاد. او یکی از همان سرمایه‌هایی بود که در هیاهوی خریدهای پرزرق‌وبرق، دیده نشد؛ پسری که به او گفتند هنوز زود است و راهی کویر شد. پوریا با همان انگیزه‌ای که فقط در ساق‌های یک جوان طردشده وجود دارد، تک‌گل بازی را زد و امتیازات کامل بازی را به‌حساب گل‌گهر ریخت. این فقط یک گل نبود؛ این فریاد بلند آکادمی استقلال بود که نشان می‌داد چطور الماس‌هایش را در خانه رها می‌کند تا در ویترین دیگران بدرخشند. شهرآبادی ندوید که فقط شادی کند، او می‌دوید تا به همه ثابت کند استقلال چه چیزی را از دست داده است.

در حالی که شهرآبادی با تمام وجود برای هر وجب از زمین می‌جنگید، در سوی دیگر میدان، تضادی آشکار چشمان هواداران را آزار می‌داد. نازون، با آن عدد و رقم‌های نجومی در قراردادش، گویی در یک پیاده‌روی عصرگاهی شرکت کرده بود. او در زمین راه می‌رفت، در حالی که تیم به دویدن نیاز داشت. تماشای بی‌تفاوتی ستاره‌هایی که قرار بود تفاوت‌ها را رقم بزنند، تلخ‌تر از خود شکست بود. حتی آمدن مهره‌هایی چون سحرخیزان و آزادی به‌عنوان یار ذخیره هم دردی را دوا نکرد. آنها که قرار بود با ورودشان جان تازه‌ای به کالبد بی‌رمق خط حمله بدمند، در کلاف دفاع گل‌گهر گم شدند؛ نمایشی ناامیدکننده که نشان داد مشکل استقلال، تنها با تعویض بازیکن حل نمی‌شود؛ گویی روحی که در آسیا دمیده شده بود، در مرزهای لیگ داخلی جا مانده است.

حالا آمارها سیلی محکمی به‌صورت کادر فنی می‌زنند؛ تنها یک برد در ۵ بازی اخیر. استقلال که روزی مدعی اول قهرمانی به‌نظر می‌رسید، حالا در جدول به وضعیتی دچار شده که حتی خوش‌بین‌ترین هوادارانش هم با هراس به رتبه‌ها نگاه می‌کنند. صعود در آسیا، حالا شبیه به یک مسکن موقت عمل کرده که اثرش پریده و زخم اصلی دوباره سر باز کرده است. همه نگاه‌ها حالا به یک تاریخ گره خورده است؛ بازی با سپاهان. برای ریکاردو ساپینتو، این مسابقه دیگر یک بازی ۳ امتیازی معمولی نیست؛ این یک دوئل برای بقاست. اگر مرد پرتغالی نتواند در اصفهان مچ رقیب دیرینه را بخواباند، تمام اعتبار صعود آسیایی‌اش زیر آوار نتایج ضعیف لیگ دفن خواهد شد. اگر ساپینتو نتواند در بازی فینال‌گونه مقابل سپاهان، روح برنده را به تیم بازگرداند، عملکرد او در این مقطع از فصل چیزی جز یک ناامیدی مطلق نخواهد بود. استقلال حالا بر سر یک دوراهی ایستاده است؛ یا بازگشت به شکوه با شکست‌دادن زردپوشان یا فرورفتن در بحرانی که شاید تا پایان فصل راه خروجی برای آن پیدا نشود.

در نهایت باید گفت هواداران استقلال خسته‌اند؛ خسته از دیدن بازیکنانی که پیراهن آبی برایشان گشاد است و دلتنگ جوانانی که با قلب‌شان بازی می‌کنند. شکست مقابل گل‌گهر، آیینه تمام‌نمای مدیریتی بود که فرزندانش را می‌راند و به غریبه‌های گران‌قیمت دل می‌بندد.

چهره روز

ماجرای پسر فردین!

باورش سخت است اما قرار است امیررضا معصومی دوبنده تیم ملی کشتی آذربایجان را بپوشد. امیررضا کشتی‌گیر سنگین‌وزن و یکی از استعدادهای جوان رشته آزاد است. اما چرا او دوبنده یک کشور دیگر را به ایران ترجیح داد؟ امیررضا پسر فردین معصومی است و با مدال‌های طلایی که در همه رده‌های سنی گرفته، پیش‌بینی می‌شد که حتی فراتر از پدر در میدان‌های جهانی حاضر شود. داستان رفتن معصومی از ایران از سال پیش و از مرحله آخر انتخابی تیم ملی شروع شد. او که تنها حریف را امیرحسین زارع می‌دید، ابتدا به قرعه‌کشی معترض بود؛ اینکه همه مدعیان در یک طرف جدول هستند و زارع کار سختی برای فینالیست‌شدن ندارد. وقتی هم که آنها در فینال روی تشک رفتند، اعتراض‌ها به داوری مسابقه بود. معصومی پسر فینال را باخت و در اردوی اول تیم حاضر نشد.

ادامه در صفحه ۱۰